

قرار است به همین زودی ها بورس تهران میزبان یک عرضه جدید شود، آن هم عرضه شرکت ملی نفت! روز دوشنبه و پشت درهای بسته واگذاری سهام شرکت ملی نفت با حضور وزیر اقتصاد در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی شد و به نظر می‌رسد تا پایان سال شاهد عرضه بخشی از سهام این عرضه در بورس باشیم. این شرایط از حال حاضر است که بازار سهام ماه‌هاست از روند اصلاحی، نبود نقدینگی و اعتماد رنج می‌برد و مشخص نیست عرضه سهام در چنین شرایطی می‌تواند نسخه شفابخش باشد یا خیر؟

در جلسه اخیر مجمع تشخیص مصلحت
صحبت‌های بسیاری در خصوص بهبود فضای
کسب‌وکار و مولدسازی دارایی‌های دولت انجام
شد و در این راستا، موضوع واگذاری سهام
شرکت ملی نفت به‌عنوان یکی از اقدامات
کلیدی برای تعمیق بازار سرمایه، افزایش
ظرفیت تولید نفت و تأمین مالی پروژه‌های
زیرساختی وزارت نفت مطرح شد. این طرح
که در دولت‌های گذشته نیز مورد مطالعه
کارشناسی قرار گرفته بود، به‌دلیل موانع
مختلف تاکنون اجرایی نشده است.

در این جلسه، بر ضرورت فراهم‌سازی شرایط قانونی برای عرضه سهام این شرکت تأکید شد و مجتمع تشخیص مصلحت نظام آمادگی خود را برای همکاری در این زمینه اعلام کرد. با وجود تمامی این صحبت‌ها مهم‌ترین مسئله این جلسه واگذاری بخشی از سهام شرکت ملی نفت بود که تمامی اعضای کمیسیون اقتصادی از این طرح استقبال کردند. قرار شد وزارت اقتصاد چارچوب عرضه را بررسی کند و زمینه ورود سهام‌فروش را به بازار سرمایه فراهم سازد. هدف، هم تأمین مالی برای زیرساخت‌های نفتی است و هم تعمیق بازاری که این روزها از کمبود سرمایه‌گذاران رنج می‌برد.

براساس اصل ۴۵ قانون اساسی، نفت و گاز متعلق به ملت ایران است. شرکت ملی نفت تنها مدیر و بهره‌بردار است. واگذاری سهام به معنای فروش نفت و گاز نیست؛ بلکه فرصتی برای مشارکت مردم در مدیریت و بهره‌برداری از یک دارایی ملی است.

اما مسئله اینجاست که شرکت ملی تنها یک بنگاه اقتصادی نیست که برای کسب درآمد با سودسازی بتوان به راحتی در بورس عرضه کرد و در میان مدت به سودسازی برسد بلکه این شرکت وظایف خاص حاکمیتی در صنعت انرژی به عهده دارد که با توجه به این موضوع حتی واگذاری بخش کوچکی از آن در بورس می‌تواند همانند یک مخل در انجام وظایف باشد.

در اصل اگر قرار باشد سهام شرکت ملی نفت واگذار شود در وهله نخست باید یک ساختار آن تغییر کند و به نوعی شرکت با ساختارهای جدید روی کار آید و وظایف سیاست‌گذاری این شرکت مجدد به وزارت نفت بازگردد و شرکت تنها در مقام مجری بماند که این موضوع ماه‌ها زمان بر و حتی هزینه‌بر است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه این شرکت وظایف حاکمیتی خاص دارد و به نوعی در خدمت به مردم قدم برمی دارد، سودسازی آنچنانی ندارد در نتیجه انتظار نمی رود که مردم از عرضه این سهام در بورس استقبال چندانی داشته باشند. بررسی آمار منتشرشده نشان می دهد که ۱۴/۵ درصد از درآمد فروش نفت به این شرکت می رسد که بخش عمده ای از این رقم صرف هزینه های جاری و نگهداشتی می شود. حتی اگر فرض کنیم رقمی حدود ۱۰ تا درصد در بازار عرضه شود نیز شد این عرضه آورده مالی چندانی برای شرکت و سهامداران نخواهد داشت.

از سال ۱۳۹۹ تا به امروز بازار سهام یک روز خوش به خود ندیده، همواره با خروج نقدینگی و اعتماد ریزه‌ریز بوده است. این درحالی است که طی این مدت بازارهای موازی شرایط بسیار بهتر از بورس را تجربه کرده‌اند و همیشه صعودی بوده‌اند. بازار سهام طی سال‌های اخیر چندین هفته صعودی بوده، اما هیچ‌گاه این صعود پایدار نبوده و همواره یک ضربه باعث شده بازار عقب‌گرد بسیار جدی و قوی را تجربه کند. عرضه شرکت ملی نفت در بورس، اولین عرضه شرکت دولتی در بورس نیست و پیش از این نیز بازار دولتی عرضه‌های خاص به دنبال جذب نقدینگی بوده اما این طرح‌ها در میان‌مدت با شکستی مواجه شده است و اکنون با شرایط این روزهای بازار سرمایه مشخص نیست آینده عرضه شرکت ملی نفت به کجا خواهد رسید؟

مقایسه حداقل دستمزد با قیمت دلار			
سال	حداقل مزد ماهانه- تومان	قیمت دلار- تومان	قدرت خرید حداقل دستمزد ماهانه برابر دلار
۱۳۸۸	۲۶۳۵۲۰	۱۰۰۵	۲۶۲
۱۳۸۹	۳۰۳۰۰۰	۱۱۰۶	۲۷۳
۱۳۹۰	۳۳۰۳۰۰	۱۸۹۲	۱۷۴
۱۳۹۱	۳۸۹۷۰۰	۳۵۷۳	۱۰۹
۱۳۹۲	۴۸۷۱۲۵	۳۰۲۶	۱۶۰
۱۳۹۳	۶۰۸۹۱۰	۳۳۹۳	۱۷۹
۱۳۹۴	۷۱۲۴۲۵	۳۴۶۶	۲۰۵
۱۳۹۵	۸۱۲۱۶۶	۳۷۷۲	۲۱۵
۱۳۹۶	۹۲۹۹۳۱	۴۶۴۴۳	۲۰۰
۱۳۹۷	۱۱۱۱۲۶۹	۱۳۲۴۵	۸۳
۱۳۹۸	۱۵۱۶۸۸۱	۱۵۲۲۳	۹۹
۱۳۹۹	۱۸۳۵۴۲۷	۲۴۶۶۴	۷۴
۱۴۰۰	۲۶۵۵۴۹۵	۲۴۶۵۰	۱۰۷
۱۴۰۱	۴۱۷۹۷۵۰	۵۰۶۰۳	۸۲
۱۴۰۲	۵۳۰۸۲۸۴	۵۹۱۳۰	۱۰۴
۱۴۰۳	۷۱۶۶۱۸۴	۹۲۷۸۴	۷۷
۱۴۰۴	۱۰۳۹۰۹۶۸	۹۷۷۰۰	۱۰۶

مقایسه حداقل دستمزد با قیمت یک دستگاه پراید			
سال	حداقل مزد سالانه- تومان	میانگین قیمت یک دستگاه پراید- تومان	قدرت خرید حداقل دستمزد ماهانه برابر پراید- درصد از قیمت کل
۱۳۸۸	۳۱۶۲۲۴۰	۷۷۰۰۰۰۰	۴۱
۱۳۸۹	۳۶۳۶۰۰۰	۷۷۵۰۰۰۰	۴۶
۱۳۹۰	۳۹۶۳۶۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۳۹
۱۳۹۱	۴۶۷۶۴۰۰	۱۸۵۰۰۰۰۰	۲۵
۱۳۹۲	۵۸۴۵۵۰۰	۱۹۱۰۰۰۰۰	۳۰
۱۳۹۳	۷۳۰۶۹۲۰	۲۰۷۰۰۰۰۰	۳۵
۱۳۹۴	۸۵۴۹۱۰۰	۲۰۸۰۰۰۰۰	۴۱
۱۳۹۵	۹۷۴۵۹۹۲	۲۰۹۰۰۰۰۰	۴۶
۱۳۹۶	۱۱۱۵۹۱۷۲	۲۲۲۰۰۰۰۰	۵۰
۱۳۹۷	۱۳۳۳۲۵۲۱۸	۴۶۴۰۰۰۰۰	۲۸
۱۳۹۸	۱۸۲۰۲۵۷۲	۶۲۰۰۰۰۰۰	۲۹
۱۳۹۹	۲۱۰۲۵۱۱۲۴	۱۱۴۰۰۰۰۰۰	۱۹
۱۴۰۰	۳۱۸۶۵۹۴۰	۱۶۹۰۰۰۰۰۰	۱۸
۱۴۰۱	۵۰۱۵۷۰۰۰	۳۲۵۰۰۰۰۰۰	۱۵
۱۴۰۲	۶۳۶۹۹۴۰۸	۳۰۵۰۰۰۰۰۰۰	۲۰
۱۴۰۳	۸۵۹۹۴۲۰۸	۳۶۵۰۰۰۰۰۰۰	۲۳
۱۴۰۴	۱۲۴۶۹۱۶۱۶	۴۶۶۰۰۰۰۰۰۰	۲۶

بهترین رتبه تاریخ هلدینگ خلیج فارس در میان شرکت های یتروشیمی جهان

و اعتماد سهامداران بوده و نشان داد که این شرکت به‌عنوان دومین شرکت پتروشیمی خاورمیانه، توانسته با بهره‌گیری از نوآوری توسعه زنجیره ارزش، مدیریت علمی و تکیه بر سرمایه انسانی توانمند جایگاه خود را در عرصه جهانی نسبت به سال قبل ۴ رتبه بهبود بخشیده و به رتبه ۱۲ جهان برساند.

اینجانب این دستاورد پرافتخار را تبریک و تهنیت عرض نموده و یقین دارم با ادامه این مسیر روشن و آینده‌نگر، دستیابی به جایگاه‌های برتر جهانی در افق پیش‌رو دور از دسترس نخواهد بود.

با اعلام جدیدترین رتبه‌بندی شرکت‌های پتروشیمی جهان در سال ۱۴۰۲، هلدینگ پلیج فارس با صعود ۶ پله‌ای نسبت به رتبه‌بندی قبلی، در رتبه ۱۲ جهانی قرار گرفت. محمد شریعتمداری، در پیامی ضمن تبریک این موفقیت به خانواده هلدینگ خلیج فارس نوشت: کسب رتبه جهانی ۱۲ توسط شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در جدیدترین رتبه‌بندی معتبر ICIS در میان بزرگ‌ترین شرکت‌های پتروشیمی جهان، برگ زرینی دیگر در رانامه پرافتخار صنعت پتروشیمی کشور است.



پاسخ داده نمی شود.

دولت به جای آنکه زمینه‌های ایجاد مشاغل رسمی و کسب درآمدهای بالاتر را برای مردم فراهم کند بر مقدار یارانه و صدقاتی که می‌دهد می‌افزاید. دولت در سال گذشته ۷۳۰ هزار میلیارد تومان صرف یارانه دارو، شیر خشک و ملزومات مصرفی پزشکی، یارانه نقدی، معیشتی و کالابرگ الکترونیکی، کمک به خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور، یارانه نان، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کمک به شرکت‌های نفت و گاز، صافر، صرفه‌جویی و سایر مصارف ضروری دیگر کرد. اعتبارات هدفمندی یارانه‌ها برای این سال هم ۶۵۹ هزار و ۸۴۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شد.

نتیجه اینکه هر سال در بودجه بخش قابل ملاحظه‌ای صرف کمک‌های معیشتی و یارانه مردم می‌شود و به دلیل رشد فزاینده فقر این مقادیر هم هر سال باید افزایش پیدا کند. دولت هم به واسطه رشد فقر در کشور و اینکه چیزی حدود یک سوم جمعیت کشور فقیر است نمی‌تواند از این جمعیت قابل توجه نفعی برای توسعه کشور برد.

در ابتدای دهه ۹۰ اشتغال سرپرست خانوار عاملی برای تفاوت میان خانوارهای فقیر و غیرفقیر بود اما با شروع شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ که منجر به جهش فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد شد، اشتغال سرپرست خانوار برای تفکیک بین خانوار فقیر و غیرفقیر کم‌اهمیت‌تر شده تا اینکه در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تقریباً یکی از دلایل اصلی کاهش اهمیت اشتغال در خروج از فقر، این است که در دهه ۹۰ عمده مشاغل ایجاد شده، خوداشتغالی با اهمیت کارکن مستقل بوده، به عبارت دیگر، مشاغل عمدتاً کم‌کیفیت و با درآمد ناپایدار هستند. بنابراین سطح درآمدی پایین باعث می‌شود که خانوارها حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل نتوانند هزینه‌های حداقلی زندگی را تأمین کنند در نتیجه فقیر محسوب می‌شوند. با کاهش اهمیت اشتغال در خروج خانوار از فقر، برخی از خانوارهای فقیر حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل و درآمد حاصل از شغل نمی‌توانند خود را از ورطه فقر نجات دهند و اصطلاحاً جمعیتی از شاغلین موسوم به شاغلین فقیر را به وجود آورده‌اند.

ارزیابی حداقل دستمزد از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا امروز نشان می‌دهد که در پنج سال اخیر به استثنای سال ۱۴۰۱ دستمزدها از تورم عقب افتاده‌اند. کاهش دستمزدهای حقیقی به علت محدود شدن رشد اقتصادی و سطح پایین بهره‌وری در اقتصاد ایران است. روند کاهش دستمزد نسبت به خط فقر نشان‌دهنده روند نزولی سطح رفاه خانوارهای دارای سرپرست شاغل است که به مرور باعث شده اهمیت اشتغال در نظام تولید ایران کم شود. با کاهش اهمیت اشتغال در تولید و رشد اقتصادی، اشتغال دیگر توضیح‌دهنده مناسبی برای خروج خانوار از خط فقر نیست. در نتیجه انگیزه‌های کار برای دستیابی به درآمد‌های سطح رفاهی بهتر، کاهش پیدا می‌کند که شاید بتواند دلیلی برای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران به شمار آید.

▼ سهم بالای مشاغل غیر رسمی

سه‌م اشتغال غیررسمی در اغلب استان‌های کشور بالای ۵ درصد است و حتی در برخی استان‌های محروم و مرزی این عدد به بالای ۷۰ درصد می‌رسد. مثلاً در آذربایجان غربی ۷۳ درصد، خراسان شمالی ۷۲ درصد، مازندران ۷۱ درصد، سیستان و بلوچستان، کردستان و کرمانشاه نزدیک به ۷۰ درصد است.

یکی از گزارش‌هایی که خرداد سال ۱۴۰۲ در رابطه با فقر منتشر شد تاکید می‌کند، نرخ فقر از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ بیش از ۱۱ واحد درصد افزایش پیدا کرده و از ۲۰ درصد به ۳۱ درصد رسیده است. هرچند در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ یک درصد کم شده اما مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش داده، با توجه به کاهش فاصله طبقه متوسط با خط فقر و نرخ بالای تورم، نرخ فقر در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۴۰۰ جمعیت زیر خط فقر ۳۰/۴ درصد برآورد شده و در عین حال ۴۰ درصد دیگر در معرض افتادن به زیر خط فقر هستند. تاج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افزایش جمعیت و افزایش تعداد افراد خانواده منجر به فقر می‌شود. در نتیجه کارشناسان معتقدند سیاست‌های فعلی در پیش گرفته شده در جهت افزایش جمعیت اشتباه است چون افزایش تعداد افراد خانواده بدون فراهم کردن بستر مناسب به جای کمک به سعادت خانواده و جامعه سبب می‌شود فرزندان خودگذاشتن و این امر منجر به فقر بیشتر می‌شود.

امروز با سرعت به سمتی می‌رویم که حداقل دستمزد، اصلاً تأمین‌کننده حداقل‌های زندگی نخواهد بود. اگر حداقل دستمزد را مرز بین مشاغل رسمی و غیررسمی در نظر بگیریم، این مرز در حال شکستن است. یعنی افرادی که در مشاغل رسمی اشتغال دارند ولی حداقل دستمزد تعیین نشده در دریافت می‌کنند وضع بسیار نامطلوب‌تری از افرادی که در مشاغل غیررسمی فعالیت می‌کنند و درآمد‌های بالاتری دارند، پیدا خواهند کرد.

به این نکته هم باید توجه کرد؛ در کنار این دو بخش، فعالیت‌های زیرزمینی نیز در اقتصاد سهم بزرگی دارد و هر روز نیز بر این سهم افزوده می‌شود. فعالیت‌های زیرزمینی، بازار کار را به انحراف‌های زیادی کشانده است و دیگر به‌راحتی نمی‌توان درباره مناسبات این بازار اظهار نظر کرد.